

از لابلای یادداشت ها و نیشته های روزمره ام

نمایش های سران عمامه پوش و معادله قدرت در کشور چگونگی پیروی از یک رویکرد ترتیب شده بمنظور رهبری دولت سیستماتیک نمودن تبعیض بر بنیاد فورمول تمامیت خواهان قومی

افغانستان با ثبات و اما بی قدرت و ضعیف، آرزوی دیرین پاکستان
طرح پیشنهادها بهدف گرفتن امتیازونه بمنظور دستیابی به راه حل
رویکردها و مؤلفه های سقوط سیاسی - اقتصادی کشور
دامن زدن به بحران اجتماعی بنفع کی ها می باشد؟

هرجا که حضور ایالات متحده بمتابیه سرمایه سالار جهانی از قوه بفعل مبدل گردیده، نا آرامی و تشتت و پراگندگی بدنبال آورده است. در حال حاضر، تردید و اختلاف در مورد رویکردهای ایالات متحده تنها در خارج از امریکا بروز نداشته، بلکه در درون حاکمیت امریکا هم این اختلاف بر سر رفتارها و رویکرد های آن کشور که سبب بی آبرویی این حکومت نزد افکار عمومی شده، منشأی بروز اختلافات جدی میان سردمداران امریکایی و نماینده های احزاب در مجلس های امریکاست. مجموعه ای از قبیل موارد یادشده و مسایل و چالش های متعددی نشاندهنده این واقعیت می باشد که ایالات متحده، دیگر قدرتی نیست که بتواند چنانکه میخواهد در همه مناطق و سایر کشورها حضور بایسته و مؤثری داشته باشد. افکار عمومی کشورهای مختلف جهان در مقابل او با روشنگری و افشاکگری، حضور همراه با مقاومتی دارد که نشان می دهد قدرت نمایی ایالات متحده بسر رسیده است. رویکرد مشخص این بحث، نوعی فروپاشی یا دست کم، افول در هژمونی غرب و کشورهای وابسته به غرب است. شاید در این مورد کمترین تردیدی موجود باشد که هر جا غرب حضور پیدا کرده، چه بشکل اقتصادی که در گذشته ها نام استعمار پر حرکت او گذاشته میشده و چه امروز که بعضی بشکل دخالت های مسلحانه بنظر می رسد. نوعی از گرایش به طایفه گرایی در منطقه ظهور نموده است. متأسفانه کشور ما در وضعیت و شرایط کنونی به سرزمین چند تکه ای شبیه شده که بین قدرت غرب و اقماری تقسیم شده است. در نتیجه، قدرتی در کشور شکل خواهد گرفت که نخواهد توانست همه معادله ها و نیازمندی های حکومتی و حکومتداری را تأمین نماید. همچنان شهروندان کشور ما باید سال های متمادی و پر از التهاب و نگرانی را تجربه و تحمل نمایند. این سوغات حضور غرب جدید است که ما شاهد فروپاشی آن می باشیم.

در سرآغاز مطالب مورد بحث کنونی، یاددهانی این مسأله درخور اهمیت پنداشته می شود که در امتداد ماه اسد سالروان، جو بایدن ضمن ایراد سخنرانی رادیویی به شهروندان کشورش در مورد ختم درگیری های مسلحانه ایالات متحده در افغانستان خبر داد. نامبرده ادعا نمود که در امتداد زمانی ۲۰ ساله حضور نظامیان ایالات متحده در افغانستان، جلو فعالیت ها و عملکردهای تروریستی گرفته شده و از فعالیت ها و اقدامات باز دارنده کشورش علیه وسعت و گسترش اقدامات یادشده نیز تذکراتی بعمل آورد. این درحالیست که تلاش صورت می گیرد تا چهره واقعی نظامیان یادشده و نحوه و چگونگی عملکردهای شان در اراضی متعلق بکشور عزیز ما، بگونه ای معرفی گردد که گویا آنها واقع بمتابیه ناجیان و مدافعان صلح و امنیت وارد کشور ما شدند. اما بمباردمان های پیهم مناطق و محلات بود و باش و هلاکت شهروندان ملکی شامل زنان و اطفال کشور ما توسط هوآپیماهای بدون سرنشین، واقع برای فرد فرد افغان ها غم انگیز می باشد. پنتاگون به صراحت اظهار می نماید که افغانستان در اولویت های کاری آنها قرار داشت، اما بیشتر از این، بمتابیه امرمیر می برای پنتاگون اصلن بحساب نمی آید. بر بنیاد اظهارات بایدن، پس از این پنتاگون از راه دور مراقب وضع

بوده و چگونگی سیر حوادث در منطقه را نظارت خواهد نمود. جنرال مارک میلی و جنرال فرانک مکینزی، در جریان گزارشی به کمیته قوت های مسلح مجلس سنای ایالات متحده، اظهار نمودند که با رئیس جمهور کشورشان مشوره نمودند تا ضمن فراخواندن نظامیان امریکایی، بخشی از آنها در افغانستان نگهداشته شو ند. هردو جنرال یادشده متذکر گردیدند که چنین مشوره ای را در امتداد سال پسین به رئیس جمهور کشور شان ارائه نموده و یادآور گردیدند تا بتعداد ۲۵۰۰ تن از نظامیان شان، پس از خروج قوت های نظامی آن کشور، همچنان به موجودیت شان در افغانستان ادامه داده و درگیری های مسلحانه در افغانستان را وارد سومین دهه نمایند. اما جنرال مکینزی اظهار نمود که که نامبرده به بایدن در مورد عدم فراخواندن نظامیان امریکایی از افغانستان و تداوم درگیری های مسلحانه و ادامه جنگ در کشورما نیزگفتگو نمود. اما اظهارات وگفتگوهای مکینزی و میلی، در مجموع با اعلامیه جوبایدن در مغایرت قرارداشت.

منشی مطبوعاتی کاخ سپید در ماه سپتامبر سال روان اظهار نمود که بایدن در نظر دارد در مورد مشوره های ارائه شده درخصوص چگونگی فراخواندن نظامیان امریکایی از افغانستان اندکی تعمق نماید. نامبرده ادامه داده افزود که بایدن خاطر نشان نمود که مشاوران کاخ سپید، بگونه نسبی در مورد فراخواندن کلی نظامیان امریکایی و همچنان در مورد تداوم مأموریت عده ای از آنها در افغانستان با وی مشوره نمودند. اما نامبرده در اینمورد اصلن وضاحت نداد که باستثنای خودش، کیها و چه مقاماتی خواهان فراخواندن نظامیان امریکا بی از افغانستان بودند. در عین زمان، در درخواست تجدید نظر بایدن (ماه اگست سال روان)، "القاعده" اعلامیه ای بنشر سپرد که در آن آمده بود که چنین افقی در نوع خود بمثابة پیروزی "طالب" ها در قبال شرارت های امریکایی محسوب می گردد.

رهبری "القاعده" با نشر اعلامیه دو صفحه ای، موفقیت "طالب" ها در افغانستان را پس از ترک آخرین نظامی ایالات متحده از کشورما بامت اسلامی، تبریک و تهنیت گفت. همچنان، شبکه های انترنیتی منتسب به "القا عده"، بزبانهای عربی و انگلیسی، از فراخواندن نظامیان امریکایی از افغانستان خبر دادند.

"طالب" ها که به پایه گذاری امارت اسلامی در کشور مبادرت ورزیده اند، اعلام نمودند که افغانستان بمثابة دژ تسخیرناپذیر، بهر دشمنی پاسخ داده است. وضع پیش آمده، در واقعیت امر، سیلی محکمی بر روی امریکا پنداشته می شود که بگمان اغلب، بگونه طبیعی و بنحوی از انحاء و اکنش نشان خواهد داد. چنانچه بر بنیاد گواهی حوادث تاریخی، ممکن پاسخ متقابل، بزودی بشکل بکارگیری مجدد قوه، مطرح بحث قرار گیرد. علاوه بر آن، شورای امنیت سازمان ملل، در اوایل سال روان اعلام نمود که تعداد بیشماری از جنگجویان "القاعده" و بنیادگرهای دیگر مرتبط به "طالب" ها، همچنان در افغانستان وجود دارند.

در گزارش سازمان ملل، بر بنیاد داده های مقامات رسمی در کابل، آمده است که از تعداد مجموعی ۵۴۹۴ تن از زندانیان قبلن رهأ شده "طالب" ها از زندان ها، در حدود هزارتن آنها مجددن به جبهات جنگ و درگیری های مسلحانه مراجعت نمودند. همچنان از مخفی شدن ایمن الظواهری رهبر "القاعده" نیز در افغانستان خبر می دهند اما از جانب "طالب" ها خبر یادشده مورد تردید قرار گرفته و از موجودیت نامبرده در کشور انکار ورزیدند. بر بنیاد بررسی های شورای امنیت سازمان ملل، جامعه جهانی در بسا موارد به موقف و وضعیت ۲۰ سال قبل رجعت نموده است.

وزیر دفاع ایالات متحده و مقامات بلند رتبه پنتاگون اعتراف نمودند که با پیروزی "طالب" ها، اما بقایای بسیاری از سازمان ها و دسته بندیهای تروریستی، بویژه از نوع دسته بندی هایی که حملات ۱۱ سپتامبر را در ایالات متحده سازماندهی و اجرا نمودند، هنوز هم در افغانستان موجود میباشند. جنرال میلی همچنان اظهار نمود که کمیته رهبری "القاعده" نیز در افغانستان اخذ موقعیت نموده و در صدد حمله مجدد به ایالات متحده می باشند.

قابل یاددهانی پنداشته میشود که هر نوع بازگشت مسلحانه ایالات متحده به کشورما، احتمالن بیک وضعیت اضطراری منحصر بفردی نظیر پیشرفت گروه "دولت اسلامی" از طریق سوریه به شمال عراق در سال ۲۰۱۴، نیاز خواهد داشت. عده ای از نظامیان بلند رتبه امریکایی اظهار نمودند که اجرای عملیات های مسلحانه نه بمنظور حل و فصل مناقشات موجود در کشور، بلکه بههدف نشانه گیری اهداف منحصر بفردی، اجرا خواهد گردید. ایالات متحده بر بنیاد طرح "هزینه جنگ" پوهنتون "براین"، مبلغ ۲،۳ تریلیون دالربه منظور احیای مجدد افغانستان و بامید ایجاد و پایه گذاری حاکمیت دموکراتیک در کشورما هزینه نمود. با

اینکه، دولت و حاکمیت ایجاد شده و قوت های مسلحانه آن در امتداد چند روز از هم فروپاشیده و "طالب" ها به قدرت رسیدند. نامبرده در مجلس سنای کشورش اظهار داشته افزود که ما در وضعیت کنونی بمنظور تأثیر گذا اری بیشتر بر وضعیت موجود در افغانستان، از اهرم های فشار اندکی برخورداریم.

بدین ترتیب، بگمان اغلب کارشناسان، فرصت های فرا تر از انتظار حملات هوایی از پایگاهها و مراکز که در فاصله های زیادی از اهداف مورد نظر موقعیت دارند، بدلیل تحدید عملیات مسلحانه در کشور، بویژه پس از فراخواندن نظامیان امریکایی بمثابه خطوط مقدم دفاعی پنداشته میشوند. همچنان عده ای از نظامیان کشور اخیر الذکر چنین میپندارند که ایالات متحده با ازدست دادن پایگاه نظامی اش در کابل، از دسترسی بر بیشترین بخش های اطلاعاتی شان نیز محروم گردید.

اما در این مورد، بگمان اغلب که شراکت و همکاری با آن عده از فرماندهان افغان که بویژه از آموزش های نظامی میان ایالات متحده برخوردار گردیده اند، مفید و مؤثر تمام خواهد شد. اما نباید فراموش نمود که انجام عملکرد های بعدی در کشوری مانند افغانستان که دور افتاده و محصور به کشورهای دیگر می باشد، اندکی مشکل بنظر می رسد.

ایجاد ظرفیت مدافعی در قبایل حملات خارجی و تلاش بمنظور ایجاد توانایی قابل قبول و مؤثر علیه تروریسم در سراسر جهان باید در دستور کار قرار داده شود. جنرال های امریکایی و بویژه وزیر دفاع آن کشور، پیهم بر ضرورت و مؤثریت انجام حملات مسلحانه از راه دور، تأکید بعمل می آورند. نامبرده همچنان یادآور شد که انجام و اجرای حملات از راه دور، اقدام مشکل اما امر ممکن محسوب گردیده و مؤثریت آن نه تنها توسط نهادهای نظامی و حربی ایالات متحده، بلکه توسط منابع مختلف نظامی کشورهای دیگر نیز مورد تأیید و تصدیق قرار گرفته است.

اما نباید فراموش نمود که "دولت اسلامی" (داعش)، بویژه در امتداد روزهای پسین، بیش از پیش بانجام فعالیت ها و عملکردهای دهشت افگانه در کشور مبادرت ورزیده و همچنان مسؤلیت چندین اقدام تروریستی دیگر را نیز بر عهده گرفت. گروه بندی یاد شده، بیش از هر زمان دیگر بانجام عملیات خرابکارانه در سایر ولایات ها بشمول شهر کابل متوسل گردیده و بوسعت و گسترش آن همچنان می افزاید. در چنین وضعیت و شرایطی که تهدیدهای تروریستی در کشور در حال افزایش می باشد، مسؤلان وزارت دفاع ایالات متحده معتقدند که مداخله مجدد نظامیان کشورشان در افغانستان، محتمل بوده و حتا اجتناب ناپذیر بنظر می رسد. این در نوع خود میتواند بمثابه بازتاب عقب نشینی ده سال قبل نظامیان ایالات متحده از عراق پنداشته شود که مسیر ظهور و پیدایش "دولت اسلامی"، انجام حملات وحشتناک، ترورها و سایر اقدامات تروریستی را مساعد و مهیا نمود. بایست خاطر نشان گردد که تاکنون هم این واقیعت مشخص نمی باشد کایا "داعش" در نوع خود، بمثابه تهدیدی برای "طالب" ها محسوب می گردد و یا نه. بر بنیاد اظهارات "طالب" ها، اهل مطبوعات و بویژه روزنامه نگاران، در مورد موجودیت تهدیدهای یاد شده اغراق می نمایند. اما با وجود اینهمه، در امتداد ماههای پسین، در مجموعه اقدامات تروریستی گروه یاد شده بیش از هر زمان دیگر، افزایش قابل ملاحظه ای بعمل آمده که وضعیت اینچنینی، بخودی خود بازگویی وخامت شرایط امنیتی در کشور پنداشته می شود.

همزمان با آن، در این ویان ولایت کشور، بیرق سیاه "داعش" باهتزاز در آمده و همچنان از درگیریها و تبادل آتش میان "طالب" ها و گروه "داعش" نیز خبرهایی بنشر رسیده است.

در شرایط و وضعیت اینچنینی، همین اکنون "طالب" ها مشغول تهیه یک تصویر اطلاعاتی مبنی بر پیروزی بر "داعش" برای شهروندان کشور و جلب اعتماد بازیکنان خارجی قضایای کشوری باشند. در حالی که امر مبارزه علیه "داعش"، روزتا روز باعبار گسترده ای بخویش اختیار می نماید، کارزارهای اطلاع رسانی نیز بخاطر مواجه می گردند.

اینک، یادداشت های کوتاهی را در مورد بازگشت احتمالی ایالات متحده بافغانستان مرور می نمایم. بخاطر باید داشت که بیشتر از دو ماه از فراخواندن نظامیان امریکایی از اراضی کشور ما سپری می گردد، اما تهدید ها و خطراتی که ایالات متحده مدت زمان طولانی علیه آن با تمام شاخ و پنجه مبارزه می نمود، بار دیگر در میهن عزیز ما سر بر آورده است. گروه تروریستی "القاعده" که بهانه موجودیت آن در اراضی کشور ما، ایالات متحده را به نبردهای مسلحانه ۲۰ ساله کشاند، ممکن به کشور ما بازگشته و دیگر هرگز به ترک

اراضی افغانستان متوسل نگردد.

بربنیاد برآوردهای محافظه کارانه دفتر اطلاعات نظامی و شعبات مربوطه سیا که در امتداد ماه سنبله سالروا ن بنشر رسید، ممکن پس از یک ویا دوسال، گروه "القاعده" قادر شود تا مجددن ایالات متحده را مورد تهدید قرار دهد.

بافراخواندن نظامیان ایالات متحده از اراضی متعلق به کشورما، بویژه با واگذاری و ترک میدان های هوایی کابل و بگرام که در نوع خود، از جمله پیشرفته ترین و نیرومندترین میدان های هوایی در منطقه بحساب می آمد، در وضعیت کنونی برای امریکایی ها اگر ضرورت موجودیت نظامیان شان مطرح گردد، فرود آوردن و پیاده نمودن قوت های آن کشور با موجودیت جغرافیای نهایت مشکل و صعب العبور کشورما، مشکل بوده و در این مسیر با موانعی مواجه خواهند گردید.

بخاطر باید داشت که دولت روسیه با استفاده از هر امکائی، تلاش ها بمنظور ایجاد و پایه گذاری پایگاههای نظامی امریکایی در جمهوری های آسیای میانه از قبیل ترکمنستان، ازبیکستان، تاجیکستان و قرغیزستان را که در شمال کشورما موقعیت دارند، نقش بر آب خواهد نمود.

در شرایط و وضعیت اینچنینی، حملات نظامی ایالات متحده، با اجازه و موافقت پاکستان در مورد استفاده از فضای آنکشور بمنظور انجام چنین عملیاتی بستگی دارد. اما بر بنیاد اظهارات جنرالان پنتاگون، اسلام آباد با احساس و درک فشارهایی، ممکن به پیوستن به حاکمیت "طالب" ها در کابل متقاعد گردیده و قلمرو فضایی اش را بمنظور انجام حملات مسلحانه در اختیار ایالات متحده قرار دهد.

جان کربی نماینده پنتاگون از ارائه معلومات درباره موافقت و یا عدم موافقت پاکستان در مورد یادشده، خودداری بعمل آورد.

اما قابل یاددهانی می باشد که با دشوار شدن دسترسی به قلمرو کشورما، ایالات متحده با معضل سومی که عبارت از نبود و فقدان موجودیت شرکای محلی پنداشته می شود، نیز مواجه می باشد. قوت های محلی در نخستین روزهای آغاز عملیات مسلحانه ایالات متحده در اراضی کشورما، از نقش و سهم پراهمیتی برخوردار بودند.

نیروهای اپوزیسیون در وجود "اتحاد شمال"، بویژه در دره پنجشیر در امتداد سال ۲۰۰۱، توانایی رزمی و جنگی شان را با ثبات رسانیده و به پشتیبانان قابل اعتمادی برای امریکایی ها مبدل گردیدند.

اما در وضعیت کنونی و شرایط حاضر، نیروهای متذکره، احتیاط لازم را اختیار نموده و بیشترین اشخاص و افراد آن که از امکانات و ظرفیت هایی برخوردار بودند، به کشورهای همجوار افغانستان رحل اقامت افکنده و مهاجر شدند. بنابراین، محاسبه بردفاع مؤثر توسط متحدین محلی و انجام اقدامات لازمی از جانب آنها اندکی بعید بنظر می رسد.

چنانچه لوید اوستین، وزیر دفاع ایالات متحده به سناتوران کشورش یادآور گردید که بخش های نظامی کشورش، در آینده های نزدیک و پس از آنکه شرایط و وضعیت اقتضا کند، در مورد مراجعت با افغانستان خواهند اندیشید.

از جانب دیگر، "طالب" ها یادآور شده متذکر گردیدند که آنها شهروندان کشور را تحسین می نمایند که ایالات متحده را با تحقیر شکست داده، کمرش را شکستاده و حیثیت و اعتبار سردمداران آن کشور را در سراسر جهان خدشه دار نموده و نظامیان آن کشور را با خواری و ذلت از سرزمین و اراضی افغانستان بیرون نمودند.

در اعلامیه بنشر رسیده توسط "امارت اسلامی" آمده است که افغانستان بمثابة دژ تسخیرناپذیر و "گورستان امپراتوری ها"، اهمیت منحصر بفردش را همچنان حفظ نمود.

اینک توپ در زمین امریکاییان قرار دارد که چسان و با استفاده و بکارگیری از چه وسایل و امکاناتی، به نیرنگ بازی های همیشگی اش ادامه می دهد.

یکی از جمله سناتوران در مجلس سنای ایالات متحده اظهار نمود که دوستان من، ما در قبال همه آنچه در افغانستان انجام دادیم، ناگزیر به پرداخت غرامت خواهیم بود. نامبرده ادامه داده افزود که آنها مجددن در آنجا (افغانستان) به جنگ و درگیری های مسلحانه ادامه خواهند داد.

پنتاگون نیز اعلام نمود که چه دوست دارند یا ندارند، در وضعیت حاضر، اما آنها ناگزیر به شرکت در رقابت

های موجود خواهند بود. این رقابت ها و ضد و نقیض گویی ها در وضعیت حاضر میان نیروهای جهادی سلفی و ظرفیت سازی حملات و تهاجمات خارجی و رشد توانایی های آنها بمنظور مبارزه علیه امکانات بالقوه تهدید های تروریستی مطرح بحث می باشد.

اما جان الن، جنرال متقاعد که زمانی هم فرمانده نیروهای بین المللی امنیتی ناتو در کشور ما بود و اکنون رئیس انستیتوت "بورکین" در ایالات متحده می باشد، اظهار نمود که چگونگی استخبارات بمنظور انجام اقدامات مسلحانه، از اهمیت قابل توجهی برخوردار می باشد.

یکشنبه ۱۶ ماه عقرب سال ۱۴۰۰ خورشیدی